

## موضوع: موضع گیری حضرت زهرا سلام الله عليها نسبت به انحرافات

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه و افضل بريته سيدتنا و نبينا و مولانا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

تمام تلاش صديقه طاهره سلام الله عليها درباره خلافت و انحراف های پیش آمده، این بود که مسیر خلافت را به محور نخست بازگرداند. مسأله خلافت، مسأله ای نیست که با رأی مردم درست شود.

### ویژگی خلیفه رسول الله

خلیفه رسول الله کسی است که همان انگیزه ها و نیت ها را داشته و با پیامبر همدل باشد و همان راه را ادامه دهد. کسی که با پیامبر همدل نیست، اگر تمام دنیا جمع شود و به او بگویند خلیفه پیغمبر، مگر او خلیفه به شمار می آید؟ مگر می تواند راه پیغمبر را ادامه بدهد؟ راه پیغمبر چیست؟

### درس توحید

خدای متعال در سوره یوسف به مردم درس توحید می دهد. تا خدا نخواهد، اتفاقی نمی افتد. من خدا هستم و دیگران هیچ کاره اند. همه اراده ها به هم گره بخورد که یوسف عزیز نشود، ولی اگر خدا بخواهد، عزیز می شود. برادرهای یوسف و زنان مصری می خواستند یوسف را ذلیل کنند، ولی خدا می خواست یوسف عزیز باشد. برای همین هم عزیز شد و برادران و زنان مصری ذلیل شدند. در مقابل خداوند به پیغمبر می فرماید: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> پیغمبر ما، این مردمی که می بینی، اهل ایمان نیستند. بلافاصله در یکی - دو آیه بعد به پیغمبرش می فرماید: همین ها هم که ایمان می آوردند، اکثرشان موحد نیستند. ایمانشان آمیخته به شرک است. «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>

### راه خدا

<sup>۱</sup> یوسف: ۱۰۳

<sup>۲</sup> یوسف: ۱۰۶

راه خدا روشن است. همه آیات، حق اند. هر که بخواهد می تواند در دل تک تک این آیه ها، خدا و دست توانای او را ببیند، ولی برخی نمی خواهند ببینند.

## نشانه های خدا

خداوند می فرماید: «وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»<sup>۳</sup> نشانه های آسمانی و زمینی در دوردست ها نیست. در پس و پشت ها نیست که دست کسی به آیات حق نرسد. در اختیار همه است. آیه ها و نشانه ها و آینه های جمال حق و توحید آشکار است. پس چرا این ها را نمی بینند و نمی فهمند؟ به آیات حق پشت می کنند. علت این هم که ایمان نمی آورند یا ایمان می آورند، ولی مشرک اند، این است که از آیات حق اعراض می کنند. طلوع و غروب ستاره ها و خورشید و ماه را می بینند، ولی از این آیه اعراض می کنند. اگر اعراض نمی کردند، باید همان چیزی که حضرت ابراهیم علیه السلام فهمید، می فهمیدند.

## انسان بصیر

وقتی ستاره طلوع می کند، حضرت ابراهیم می فرماید: «هَذَا رَبِّي»<sup>۴</sup> به مردم می گوید اگر بناست ربی انتخاب کنید، چرا بت ها، چرا سنگ و چوب ها؟ این ستاره زیبایی که میلیون ها سال عمرش است، دست شما هم به او نمی رسد، نور می دهد و بر بلندای آسمان ایستاده و رب است. وقتی ستاره غروب و سقوط کرد و ناپدید شد، ابراهیم فرمود: هر آن چه غروب دارد، من دوست نمی دارم. رو به خورشید آورد و همین طور رو به ماه کرد. خورشید و ماه آیات حقند. ممکن است اول جلوه ای داشته باشد، ولی انسان بصیر در دل طلوع، غروب را می بیند و اگر غروب را دید، می فهمد و قدم دوم را برمی دارد. اگر فهمید که جمال و جلال ها، غروب و افول دارند و ناپایدارند، ارزش دل دادن و دل گرفتن ندارند، ارزش دل بستگی و شیفتگی ندارند، راهی دیگر را برمی گزیند. «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا

<sup>۳</sup> یوسف: ۱۰۵

<sup>۴</sup> انعام: ۷۶

مِنَ الْمُشْرِكِينَ<sup>۵</sup> من چهره وجود خودم را رو به سوی او می کنم. او این ها را به پا کرده است و خیمه و خرگاهی که روزی زده و روزی جمع می شود، پناه گاه مناسبی نیست.

### معنای کلمه حنیف

کسی که خیمه و خرگاه را به پا کرده، شایسته پرستش است. من حنیفم. به همه پشت کرده و به او رو آورده ام. این معنی حنیف بودن است. بدانید مردم، شما که به بت ها رو می کنید، حنیف نیستید و به بیراهه می روید. حنیف کسی است که به راه راست می رود و از انحراف ها دوری می کند. من مشرک نیستم. نه خورشید را می پرستم، نه ماه و ستاره را. تمام وجودم متوجه حق است. از روز اول تمام درس را گرفتم. وقتی این خیمه برچیدنی است، چرا رو به آن کنم؟ چرا زیر سایه آن بروم؟ حتی یک لحظه ماه و خورشید را نمی پرستم و آن ها را شریک خدا هم قرار نمی دهم.

### آیات فراگیر حق

لازم نیست انسان خدا را از پس پشت ها پیدا بکند. همین ماه و خورشید، همین طلوع و غروب، آیه حق است. اگر انسان سری به درون خودش بزند و خودش را بشناسد، می فهمد این دل کجا می آرامد. خوب می فهمد دل در کنار این ناپایدارها قرار نمی گیرد. می فهمد این دل بی قرار، جز یک جا آرام نمی شود.

### یاد حق آرامش بخش دلها

خداوند می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۶</sup> تا به یاد حق و هم نشین حق نباشد و خدا را نیابد، آرام نمی شود. این که می بینی انسان هر روز سرش را به یک دامن می گذارد و در پایان شب، سر از آن دامن برمی دارد و دوباره سرگردان دامن دوم است، برای این است که یک بار به دل خودش سر نمی زند تا ببیند این دامن های آلوده و ناپایدار جای سر گذاشتن نیست. این انسان سر به هوا از آیات حق روی می گرداند. خدا مبهم نیست. وقتی به مشکل مبتلا می شوی و به کسانی رو می آوردی تا مشکل را رفع کنند، ولی کاری از دستشان برنمی آید، رو به خدا می کنی. وقتی مشکلاتان حل می شود، روی برمی گردانید. شما آن حالت را نگه ندارید. اعراض نکنید.

<sup>۵</sup> انعام: ۷۹

<sup>۶</sup> الرعد: ۲۸

## نشانه نفاق

کسی محضر حضرت رسید و عرض کرد: یا رسول الله ما وقتی خدمت شما هستیم، حالمان خیلی خوب است. همین که بیرون می رویم، حال خوب ما از بین می رود. این علامت نفاق نیست؟ حضرت فرمودند: نه، این نفاق نیست، ولی رد پای شیطان در دل شما به چشم می آید، چرا که از پیش من می روید، دوباره حال شما برمی گردد. این حالت را حفظ کنید و بهره ببرید.

## عالم، آینه خدا

در روایت دیگری هست که اگر زیاده گویی نمی کردید و دلتان به هرزه روی عادت نمی کرد، آن چه من می دیدم، شما نیز می دیدید. آن چه من می شنوم، شما نیز می شنیدید. خدا هم آینه را جلو ما می گذارد که عکسش را در آینه ببینیم، آینه را می شکند که بفهمیم آینه هیچ کاره بود. اگر فقط آینه را جلو ما می گذاشت و آینه را بر نمی داشت، جا داشت خیال کنیم عکس در آینه همه کاره است. اگر آینه را نمی گذاشت، جا داشت اعتراض کنی. من که تو را نمی دیدم، چرا آینه نگذاشتی؟ هم آینه گذاشتیم و هم آینه را شکستیم. کدام آینه از این بهتر؟ هم خورشید می درخشد و گرمی و حرارت می دهد و چشم را به خود جذب می کند، هم غروب می کند. اگر خورشید نبود، می گفتی خدایا چرا آینه را گذاشتی؟ اگر باران و باد و زمین و آسمان نبود، اگر خاک مرده زنده نمی شد و از دل خاک مرده و میوه های رنگارنگ بیرون نمی آمد، اگر نسیم نمی وزید و اگر این آینه ها غروب نداشت، باید می گفتی خدایا چرا آینه را شکستی. همه عالم آینه همه اند. جمال و جلال حق را نشان می دهد. حضرت ابراهیم، اول به آینه نگاه می کند و بعد آینه را می شکند. اگر این گام را برداشتی و جمال و جلال را دیدی، گام دوم میسر می شود که آن آینه دار و آینه گردان را بیابی.

اگر آن که این خیمه را به پا کرد و آن که آینه گردان و آینه ساز است را بنگری، می توانی بگویی «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۷</sup> نه فقط این عکس در آینه را نمی پرستم و او را شریک خدا قرار نمی دهم، بلکه خدا را می پرستم. خورشید آمده دل از من ببرد. او آینه است. او آمده خدا را به من نشان بدهد، نیامده رهن من شود. مسأله حق مبهم نیست. این که برخی ایمان نمی آورند، برای این نیست که به نظرشان خدا مبهم و

<sup>۷</sup> انعام: ۷۹

ناپیداست. چیزی ظاهرتر از خدا نیست. خداوند می فرماید : «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»<sup>۸</sup> اول اوست، آخر اوست. ظاهر اوست، باطن اوست.

### ویژگی های راه حق

در جایی دیگر خداوند می فرماید : «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»<sup>۹</sup> هر کجا باشید، با شماست. رو به ما برگردانید. به هر کجا رو کنی، وجه خدا وجه حق است. فقط اعراض نکنید. در روایت داریم : «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ»<sup>۱۰</sup> راه کسی که رو به خدا می کند، نزدیک و صراطش مستقیم است. «فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»<sup>۱۱</sup> راه پر پیچ و خمی نیست. راه طولانی ای نیست. مشکل اعراض از آیات حق است. اگر اعراض نمی کردند، آیات روشن خدا را می دیدند. ابهامی در آیات خدا نیست.

### عالم، آینه یکتایی حق

عالم، آینه یکتایی حق است. راه نزدیک و مستقیم است. بعد از این درس ها، خدا به پیغمبرش می فرماید به مردم بگو، بدانید من شما را به سمت خدا دعوت می کنم، نه به سمت چیزی دیگر. زبانم، قوالم، عملم، فقط به سمت خداست. خودم مجذوب حقم و هر که در شعاع من بیاید، شعاع من او را جذب حق می کند، چرا که تمام وجود من از خداست. این راه من است. کدام راه؟ «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ»<sup>۱۲</sup>

### ویژگی پذیرندگان ولایت غیر خدا

خداوند می فرماید : «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>۱۲</sup> آن هایی که غیر خدا، کسی را ولی و سرپرست خودشان می گیرند و زیر چتر و خیمه او می روند و سایه ولایت او را بر خود می افکنند، مثل عنکبوتی هستند که در زیر تار خودش می

<sup>۸</sup> حدید: ۳

<sup>۹</sup> حدید: ۴

<sup>۱۰</sup> آل عمران: ۵۱

<sup>۱۱</sup> یوسف: ۱۰۸

<sup>۱۲</sup> عنکبوت: ۴۱

رود و خیال می کنند چه خیمه و سرایی درست کرده است. کسانی که غیر حق را ولی خدا دانند، مانند عنکبوت می مانند.

### جلوه های تسبیح

کسی که تسبیح ها را می فهمد، به غیر خدا توجه ندارد. چنین کسی جلوه های مختلف تسبیح حق را می بیند. کسی که شرک خفی در دلش راه یافته، نمی تواند منادی توحید باشد. کسی منادی توحید است که هیچ شرکی ندارد، نه شرک جلی، نه شرک خفی. اکثر مؤمن ها و مدعیان ایمان مشرک اند. کسی که می گوید اگر فلانی نبود، من از دست می رفتم، مشرک است. اول خدا، دوم تو. این مشرک است. چه شرکی از این بدتر است؟ او احد است. اگر لطف حق نباشد، کسی به آدم رحم می کند؟

### روایتی از موسی کلیم علیه السلام

در روایت هست که موسی کلیم علیه السلام به کوه می رفت که دید مادری بچه اش را به کول گرفته و با رنج و مشقت عرق می ریزد و بالا می رود. گفت: خدایا چه طور این مادر این جور جان می کند و این بچه را به کول می کشد؟ می شود این مهر مادری را بگیری؟ دید مادر بچه را زمین گذاشت و گفت: ما جانمان در می آید به خاطر این بچه. به جهنم خودت را برسان و رفت. هر چه بچه شیون کرد، مادر اعتنا نکرد. دید بچه تلف می شود، عرضه داشت: خدایا می شود مهر را برگردانی؟ دید مادر دوان دوان آمد و بچه را در آغوش گرفت و معذرت خواست و او را بوسید.

### پیامد امید بر غیر خدا

برخی می گویند بعد خدا امیدم به توست. مگر خدا بعد دارد؟ حق این انسان است که خدا امیدش را ناامید کند. هر کس به غیر خدا اعتماد کند، خدا امیدش را ناامید می کند. یک جایی زمین می خورد که دیگر راه خلاصی ندارد. در این دنیا برخی موردها معلوم نمی شود. نباید هم معلوم شود، و الا دار امتحان نبود، ولی می بینی روزی که باید این امیدها ثمره بدهد، همه کسانی را که می خواندی، به تو پشت می کنند و هر چی ندا می دهی، می گویند به ما چه. فقط خداست که اگر او را بخوانی، در همه عوالم دستت را می گیرد.

در این عالم هم او دست تو را می گیرد، اما حجاب هست. وقتی حجاب ها کنار برود، تو می توانی ببینی. خداوند می فرماید: «ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا»<sup>۱۳</sup>

## دعوت به خدا

پیامبر می گوید: من مردم را فقط به خدا دعوت می کنم و این دعوت از سر بصیرت است، چرا که من موحدم و به تسبیح و توحید رسیده ام. قرآن می فرماید: «وَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ»<sup>۱۴</sup> در جایی دیگر نیز می فرماید: «أَشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱۵</sup> آن هایی که به آخرت گرایش ندارند، آخرت خواه نیستند و متنفر می شوند و نفرت، قلبشان را فرا می گیرد.

## گفتاری از امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در یکی از مناجات های پانزده گانه چنین گفته است: «يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي وَ يَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي»<sup>۱۶</sup> دیگران فریب می دهند که ملت را به رفاه و خوشی برسانند. این وعده دروغ است. انسان خدا را می خواهد.

## مشکل اصلی مردم

لذا پیامبر مردم را فقط به خدا دعوت می کند. تمام وجودش خداست. به مردم گرسنه و پابرهنه در جامعه بی نظام و بی سامان عربستان نمی گوید مردم چرا پابرهنه اید؟ چرا خشت ندارید؟ دعوتش را از این جا شروع نمی کند. می گوید: شما خدا را می خواهید و مشکلاتان بی خدایی است. اگر این مشکل حل شد، همه چیز حل می شود و دنیای شما نیز به سامان می رسد و اگر این مشکل حل نشود و در کاخ زندگی کنید و یک خشتش طلا و یک خشتش نقره هم باشد، باز هم بدبختید.

راه پیغمبر این است. چه کسی می تواند جای پیغمبر بنشیند و پا جای پای پیغمبر بگذارد و همان دعوت را داشته باشد و همان راه را ادامه بدهد و مردم را فریب ندهد و ردای خیرخواهی بر باطن رذالت و شیطنت

<sup>۱۳</sup> اسرا: ۶۷

<sup>۱۴</sup> زمر: ۴۵

<sup>۱۵</sup> زمر: ۶۷

<sup>۱۶</sup> بحار الأنوار، مجلسی، ج ۹۱، ص ۱۴۷، باب ۳۲، أدعية المناجاة ...، ص ۹.

خود نیندازد و قدرت طلبی خودش را زیر پوشش خیرخواهی مخفی نکند؟ کسی می تواند این گونه باشد که دنباله رو پیامبر است. اوست که دعوتش فقط دعوت به توحید است و درد مردم را می فهمد و مشرک و آلوده به شرک نیست. دیگران نمی توانند مردم را سوی خدا بخوانند.

### ویژگی دعوت کنندگان به حق

کسی که دل خودش آلوده است، چه طور می تواند دیگران را به سمت خدا دعوت کند؟ کسی که از برکه های آلوده می آشامد، چگونه می تواند سرچشمه های زلال توحید را برای دیگران مهیا کند؟ کسی می تواند مردم را به خدا برساند که به سرچشمه صاف و پاک و زلال هدایت رسیده باشد. دیگران مدعی خیر و صلاح هستند و به مردم هم می گویند ما می خواهیم شما را برسانیم، ولی به کجا؟

### علی علیه السلام خلیفه برحق پیغمبر

خلیفه پیغمبر فقط امیرالمؤمنین علیه السلام است. به اتفاق سنی و شیعه، امیرالمؤمنین است که پا جا پای پیغمبر گذاشته و اوست که با پیغمبر همدل و هم نفس پیغمبر است. اوست که به توحید رسیده و فقط اوست که می تواند این دعوت را ادامه بدهد و در سایه دعوت اوست که انسان به خدا می رسد. دیگران آلوده و مشرکند. ردای خلافت پیامبر برای اندام کسی مناسب است که به خدا رسیده باشد. باطن کفر در اسلام، روشن است. همین ها بودند که صدیقه طاهره علیها السلام را هتک می کنند. مگر پیغمبر نفرمود: «مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي وَ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ»<sup>۱۷</sup> کسی که او را بیازارد، مرا آزرده است و کسی که مرا بیازارد، خدا را آزرده است.

### دعوت به بت پرستی مدرن

بت پرستی مدرن، دعوت به دنیاپرستی است. دعوت به چیزی است که امریکا امروز جهان را به آن دعوت می کند. مگر جز یک بت پرستی مدرن و دنیاپرستی چیز دیگری است؟ همه جامعه آن روزگار قبول کرد. یکی را با پول و یکی را با برق شمشیر خریدند و دنبال خلفای جور آوردند و هماهنگ کردند.

### سخن حضرت فاطمه سلام الله علیها با مردم

<sup>۱۷</sup> بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۷، ص ۲۷، باب ۱۴، آداب العشرة معه ص و تفخيمه ...، ص ۱۵.



بارها صدیقه طاهره سلام الله علیها آمد و گفت: اینها بچه های پیغمبرند. من دختر پیغمبرم. چند روز بیشتر از غدیر نگذشته. مگر شما در غدیر نبودید؟ بیاید شهادت بدهید چه کار کردند. ما بیعت کردیم، مردم بیعت کردند. بروید فردا می آییم. نیامدند. حضرت ماند و خودش. چه باید کرد؟

## انحراف در دین

مسئله این است که پیامبر دعوتی را شروع کرد و این دعوت باید جهانگیر شود. دین، دین خاتم است. پیامبر، پیامبر خاتم است. انحراف در دین خاتم، یعنی انحراف در پرستش خدا. چگونه باید حق را بفهمد؟ وقتی باطل ردای حق پوشید، انسان حق طلبی که بعد از هزار و چهارصد سال می آید، از کجا باید بفهمد حق و باطل کجاست؟ اگر حق مطلق خودش را فدا نکند و شمع نشود و نسوزد، چگونه دیده می شود؟ برای این است که حضرت خودش را قربانی کرد و خاندانش را به مخاطره انداخت. وقتی خلیفه دوم پشت در آمد و گفت: برو بگو همسرت بیاید، چرا تو آمدی؟ حضرت فرمود: آتشی که تو برافروختی، جز من کسی نمی تواند خاموش کند. من آمدم از راه خودت برگردی یا مرا هتک بکنی و از روی جسد من رد شوی. معلوم است که ردای خلافت پیامبر شایسته تو نبوده است.

## بزرگ ترین هتک ها

بزرگ ترین هتک ها نسبت به این وجود مقدس شد. او محور کائنات است. ناموس خداست. در قیامت که جای هیچ تخلفی نیست، وقتی حضرت وارد می شود، ندای «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ»<sup>۱۸</sup> به گوش می رسد. حتی انبیا باید سر را به زیر بیندازند. مگر بی حساب و کتاب است؟ چه اشکال دارد سرشان بالا باشد؟ غیرت حق اجازه نمی دهد. وقتی به محشر می آید، در محاصره ملائکه است. پوشش کامل دارد و ندا می رسد سرها را به زیر بیندازید.

## انتقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از قاتلین مادر

وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید، اول از همه جسد قاتلین مادرش را بیرون می آورد و طرفداران آن ها را می کشد. بدن ها را به درخت خشک می بندد و درخت خشک را سبز می کند. هر که

<sup>۱۸</sup> الکافی، شیخ کلینی، ج ۴، ص ۸۷، باب أدب الصائم ...، ص ۸۷.

در دلش امیدی به آن ها دارد، نابود می کند. حضرت فرمود : «حَيَاتِي وَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ»<sup>۱۹</sup> خودشان نوشتند : «وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»<sup>۲۰</sup> خدا با غضب او غضب می کند. ما خدا و ملائکه را شاهد می گیریم که خدایا هر که او از وی راضی است، ما از او راضی هستیم و هر که فاطمه از او خشمناک است، ما نیز خشمناکیم. غضب فاطمه علیها السلام، غضب خداست.

الا لعنة الله على القوم الظالمين

---

<sup>۱۹</sup> بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۷، ص ۲۷، باب ۱۴، آداب العشرة معه ص و تفخيمه ....، ص ۱۵.

<sup>۲۰</sup> همان، ج ۲۱، ص ۲۷۹، باب ۳۲، المباهلة و ما ظهر فيها من ....، ص ۲۷۶.